



iraj.farzad@gmail.com

سالوسی بزرگترین نقض کنندگان حقوق بشر و بزرگترین سازماندهندگان کشتارهای دسته جمعی بیش از حد زمخت و توهین به وجدان جامعه بشری است.

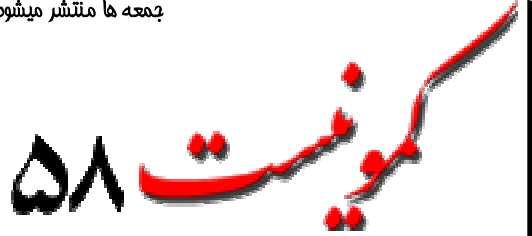
در این میان اما، سفر احمدی نژاد هدف ویژه ای را نیز در بستر این پرده های موهوم تعقیب میکند. خود احمدی نژاد قبل از ترک تهران و سفر به نیویورک و پس از ملاقات با "رهبر" هدف خود را چنین فرموله کرد: "سازمان ملل"

سفر احمدی نژاد به نیویورک و پیام اسلام سیاسی برای جهانیان

اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل مسائلی از قبیل: توسعه و کاهش فقر در جهان، خلع سلاح و مبارزه با سلاح گسترده "فقر" درو میکند. کشتار جمعی، مساله حقوق بشر، ضرورت مبارزه با تروریسم و اصلاح ساختار سازمان ملل را مورد بحث قرار میدهد.

اینها سر تیتیر بحثهای صرفا صوری و فرمال اند. جرج بوش که نطق خود را با تشویق شرکت کنندگان برای مبارزه با فقر آغاز کرد، خود شاید نمونه برجسته تناقض این دستور فرمایشی با واقعیت فقر در کشور "ثروتمندی" مثل آمریکا باشد. حقایق وحشتناک گردباد نیواورلئان به روشنی نشان داد که پایتختها و شهرهای بزرگ کشورهای "ثروتمند" در هر

حضور احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور اسلامی که بزرگترین کشتارهای سیاسی قرن را علیه مردم ایران سازمان داده است برای بررسی مسائل "حقوق بشر"، فقط تف کردن به وجدان بشریت است. این روکش فرمایشی بر این دورویی و



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: اعظم کم گویان ۲۵ شهریور ۱۳۸۴ - ۱۶ سپتامبر

www.hekmatist.com



koorosh.m.odarrei@gmail

به مناسبت سالگرد تشکیل حزب حکمتیست

از گفتگوی تلویزیون پرتو با کورش مدرسی

مصطفی اسدیپور: در مورد یک سالی که از تاریخ تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست گذشته، با کورش مدرسی صحبت میکنیم و این حزب را زیر ذره بین قرار میدهیم و مبینیم که رو به آینده چه کاری در دستور دارد. کورش مدرسی، دنیای سیاسی در ایران در یک سال گذشته پر تحرک بود، احزاب و جریانات مختلف سیاسی در آنجا ابراز وجود کردند. خود شما و حزب حکمتیست تلاش کرد چه جایی در میان طیف مختلف احزاب و جریانات و تحولات سیاسی اشغال کند؟

این یک واقعیت بود. واقعیت دیگر اینکه ما در حزب کمونیست کارگری ایران، صرف نظر از مضمون اختلافات سیاسی، با یک پدیده غیر مسئول، غیر اجتماعی و تماما فرقه ای روبرو بودیم که اتحاد حزب، وحدت اش و قدرت عمل سیاسی اش برایش اهمیتی نداشت. در اوج بی مسئولیتی انجام هر نوع کار مشترکی در آن حزب را غیر ممکن کرد. از زیر تنظیمات کمیته مرکزی و مقررات و قوانین حزب خارج شد، همه و هر ضابطه حزبی را زیر پا گذاشت و علیه ما اعلام یک جهاد ایدئولوژیک کرد. ما برای نجات آینده خط منصور حکمت و جنبش مان مجبور شدیم که راه مان را از این پدیده ناهنجار سیاسی و اجتماعی جدا کنیم و حزب جدیدی را پایه بگذاریم.

حزب ما از روز اول با مشکلات زیادی روبرو بود. بویژه از لحاظ مالی تحت فشار بود و هست. چرا که ما همه امکانات را جا گذاشتیم و مبیایست همه چیز را از سر میساختیم. نه تنها همه چیز را بجا گذاشتیم بلکه باز پرداخت بخش اعظم بدهکاری

کورش مدرسی: از تاریخچه اختلافات و جریانات درونی حزب کمونیست کارگری ایران میگذرم. این را جای دیگری به تفصیل بحث کرده ایم. اینجا به ابعاد سیاسی قضیه که سوال شما هم مربوط به آن است محدود میمانم. حزب ما در شرایط خاصی پا به عرصه وجود گذاشت. اوضاع سیاسی در ایران بشدت متحول بود و به دخالت مستقیم خیلی روشن و انقلابی کمونیست ها احتیاج داشت و یک حزب کمونیستی می بایست مبارزه مردم ایران را هدایت کند، مردم را متحد کند و جمهوری اسلامی را سرنگون

کمپین جهانی برای آزادی

برهان دیوار گر

صفحه ۴

سناریوی خونین عراق و

"قانون اساسی" باندهای حاکم!

در حاشیه سفر طالبانی به آمریکا

بمبهای بغداد قرار گرفتند. با کنار هم گذاشتن این سه موضوع، تصویری از وضعیت تاسفبار عراق و عمق جنایات هرروزه آمریکا و جریانات اسلامی و قومی در آن کشور را میتوان به وضوح دید و از آن درس و نتیجه گرفت.

پس از هفته ها کشمکش میان جریانات اسلامی، احزاب ناسیونالیست حاکم در کردستان و جریانات قومی عرب بر سر صفحه ۳

میتواند در پیش باشد. جهنم بغداد، جهنم تل عفر، جهنم هابی همگی صحنه هایی تکراری از سناریوی خونین عراق هستند که دو سال و نیم است توسط تروریسم آمریکا و جریانات اسلامی و قومی بر آن جامعه تحمیل شده است. در همان چهارشنبه دو خیر دیگر مرتبط با عراق: سفر طالبانی به آمریکا و نهائی شدن پیشنویس "قانون اساسی"، در پوشش رسانه ها بود که تحت الشعاع



fateh_sh@yahoo.com

فاتح شیخ

تلفات بمبهای چهارشنبه در بغداد از صدپنجاه کشته و چهارصد زخمی گذشت. این روز رسانه ها "چهارشنبه خونین" نامیدند، اما پنجشنبه بغداد هم با صبح خونین شروع شد و روزهایی بازم خونین تر

جنگ تروریستها

در دنیای پس از

۱۱ سپتامبر

۱۱ سپتامبر سرآغاز یکی از خونبارترین دوره های تاریخ معاصر است. کشتار مردم بی دفاع عراق، از هم پاشیدگی شیرازه جامعه، مسابقه جنایت، ارائه تصاویر بریدن سرهای اسرا در زندانهای هر دو طرف، کشتار مردم در قطارهای زیرزمینی اروپا، این مسابقه جنون را از خود واقعه ۱۱



mehrnousch@aol.com

مهرونوش موسوی

جدالی بر سر قدرت! یکی برای بقا و حفظ موقعیت خود، تروریسم اسلامی را ابزار اصلی ابراز وجودش کرده است، آن دیگری برای تثبیت و گسترش صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

عامی و برخاسته از صفوف غیرنخبگان تصویر کرده اند تا بتوانند کل سیمای جمهوری اسلامی را از تاریخ پیوسته یک ربع قرن جنایت سازمانیافته و منکوب کردن حقوق مدنی مردم ایران دکوراسیون و رنگ آمیزی کنند و تا معضل مردم با اسلام سیاسی و رژیم

آن در ایران را از تیررس مردم ایران و جهان متمن دور و پنهان سازند.

احمدی نژاد آمده است تا با نشان دادن ظرفیت جنون اسلام سیاسی در تاریخ یک ربع قرن ایران و آنچه در عراق جریان

کشتار ماموریت گرفتند، نمیگویند کارنامه بزرگترین کشتارها و بیش از بیست سال قتلهای زنجیره ای را در زمان ریاست جمهوری خامنه ای و رفسنجانی و خامنه ای و خاتمی ثبت کرده اند و مقام و وزارت را با شرکت در آن کشتارها و آشوبستهای اسلامی کسب کرده اند. و نمیگویند مگر خمینی و خامنه ای و رفسنجانی و خاتمی با لاجوردی و خلخال، این "اژده های مقاومت" اش، چقدر "معتدل" و "دمکرات" بوده اند! کل طیف ملی مذهبی و دوائر اپوزیسیون راست احمدی نژاد را تنها یک فرد، و فردی بی سواد و

عنوان یک شریک قدرت برسمیت بشناسند و به آن در تحولات سازمان ملل و رعایت حقوق بشر نقش و جایگاه و اختیارات تفویض کنند. میگویند احمدی نژاد از جناح تندرو جمهوری اسلامی و کابینه او دست چین شده از شناخته شده ترین سازماندهندگان ترور و کشتار های سیاسی داخلی و خارجی است و میگویند او با "تقلب" از صندوقها درآمد. اما نمیگویند همه وزرای آدمکش و جنایتکار او از همان دوران ولایت فقیه خمینی، به موجب حکم دریافتی او در مسند وزارتخانه های اطلاعات و اداره شکنجه و

رتیب به حساب آمدن اسلام سیاسی و رژیم جنایتکاران اسلامی به عنوان نیروئی در "تحول" سازمان ملل است. و اهمیت حضور احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور اسلامی در همین نکته است که حال که این ماشین کشتار اسلامی به سلاح اتمی هم دارد دسترسی می یابد، حال که کابینه اش را از شخصیتهای امتحان پس داده در طول تاریخ سلطه اسلام سیاسی برگزیده است، حال که ظرفیت جنون عملیات انتحاری در عراق و فلسطین را از خود تشعشع داده است، بهتر است که جهان و سازمان ملل نیز رژیم او را به

باید به سمت دفاع حقیقی از حقوق ملتها گام بردارد و از تسلط یک کشور و یا مراکز قدرت بر این سازمان جلوگیری شود. برای تحقق این مهم، نیازمند تحولات اساسی در ساختار سازمان ملل متحد هستیم"

و این زبان دیپلماتیک همان "دیالوگ تمدن"های خاتمی است، همان تلاش دیرین سران جمهوری اسلامی برای تحمیل خود به عنوان مرکز ثقل اسلام سیاسی در سازمان حقوقی و سیاسی بین المللی و به این

کردستان دارد، یک دروازه، یک امکان عظیم، به روی مان باز شده است. این امکان این هست که در کوتاه مدت و به سرعت کمونسم ما، کمونسم منصور حکمت، که جریان اول سیاسی در کردستان تبدیل شود و چهره سیاسی کردستان را عوض کند. و اگر این کار را بکند، چهره سیاسی ایران را عوض میکند.

در بعد سراسری نقطه قدرت ما در محیط های فکری چپ در ایران هم در پیچه را بروی ما و بروی جنبش کارگری و بر روی چپ جامعه و بر روی جنبش آزادیخواهی و برابری در سراسر جامعه باز نگاه داشته است. من فکر میکنم وقتی به هردو این مؤلفه ها نگاه میکنید، ببینید که امروز در پیچه ای که منصور حکمت از آن حرف میزند، در متن دیگری، هنوز باز است. در کردستان بنا به شرایط جامعه قابلیت های ویژه ما این در پیچه بزرگتر شده است. در بعد سراسری این در پیچه کوچک شده است اما باز است. تأثیر کردستان میتواند آن را تبدیل به یک دروازه کند.

اینکه این امکانات متحقق میشود یا نه، دیگر برمیگردد به اینکه ما کارهایی را را که باید بکنیم میکنیم یا نه. اگر بدون تزلزل به امکانات و فرصت هایی که بوجود آورده ایم را پاسخ بگوئیم این امکانات متحقق میشود. وجود همین امکان بسیار شورانگیز است. در تاریخ کمونیست ها به ندرت از این امکان برخوردار بوده اند. باید قدرش را دانست. ما امکان تغییر زندگی برای میلیونها انسان و رهائی آنها از چنگال استثمار و بی حقوقی را داریم. امکان و افق جدا شور انگیزی است.

هم ما به ارث بردیم. روزی که جدا میشدیم گفتیم که امکانات را میگذاریم و خط را میبریم. همین کار را کردیم. ما امروز در محیط های فکری چپ ایران نفوذ داریم. این محیط ها هم مثل همه جای دنیا تخته پرش و پلی است برای اتصال ما به کانون های وسیع کمونیستی و شبکه کارگران و رهبران کمونیست در جنبش کارگری و حرکت های کمونیستی در بخش های مختلف جامعه.

اینها نقطه قدرت های ما هستند. بنظر من دوره سخت را پشت سر گذاشته ایم. با این نقطه قدرت و با شرایطی که در آن قرار گرفته ایم در دوره آینده باید یک تعرض فکری به راست و چپ سنتی و هر کس در مقابل آزادیخواهی و برابری طلبی کمونیستی می ایستد ببریم. باید یک تعرض وسیع عملی - سیاسی و سازمانی برای متحد کردن مردم و برای متشکل کردنشان ببریم. درست کردن یک حزب سیاسی و تامین رهبری جامعه برای سرنگونی جمهوری اسلامی به عنوان تخته پرش بیوقفه به انقلاب سوسیالیستی مضاف بلاواسطه ای است در مقابل ما قرار دارد.

مصطفی اسدیپور: منصور حکمت از یک در پیچه واز شانس پیروی کمونیسم گفت. امروز در شرایط دیگری قرار داریم. اوضاع سیاسی ایران عوض شده و به تصویر منصور حکمت هم خدشه وارد شده. آیا امکان پیروزی کمونیسم کماکان در ایران هنوز وجود دارد؟

کوروش مدرسی: بنظر من این در پیچه هنوز هست و هنوز باز است. راست اش به همت این حزب باز مانده است. امروز با توجه به موقعیتی که حزب ما در

رهبری سیاسی برای جامعه تعیین بکنند؟ آیا این رهبری میتواند مردم را متحد و بسیج کند و حزبی بسازد که در متن جامعه یک حزب توده ای وسیع باشد و بتواند مردم را بدور خود جمع کند؟ آیا این حزب میتواند در سرنگونی جمهوری اسلامی پیروزی انقلاب سوسیالیستی را تضمین بکند؟ و این مضاف اصلی است. نقطه قدرت های زیادی داریم. بخصوص از نقطه قدرت های چپ برخورداریم که هیچ بخشی از چپ در ایران از آن برخوردار نیست. در کردستان رهبران کمونیست، رهبران توده ای کمونیست مردم در این حزب هستند و این نقطه قدرت عظیمی است. کمونیسم تنها در کردستان توانسته است رهبران اجتماعی و توده ای را به وجود آورد. این همیشه نقطه قدرت خط حکمت بود. این نقطه قدرت تماما در این حزب است. این حزب میتواند کردستان را بجای سنگر تحرک ناسیونالیستی به سنگر انقلاب کمونیستی تبدیل کند.

ما با تشکیل "گارد آزادی" و شروع فعالیت آن چار چوب سازمان دادن یک حزب کمونیستی با پتانسیل بسیار قدرتمند نظامی را بوجود آورده ایم. سیاست در ایران و بویژه حزب در کردستان مسلح است. ما باید بتوانیم یک حزب قدرتمند درست کنیم که بتواند نیرو جریان های بوژوائی و فاشیست و گانگسترهای سیاسی را از تعرض به این حزب و از تعرض به کارگر، به زن، به آزادی و به برابری، به کودک، و هر کسی که میخواهد حرمت آزادی انسانها را زیر پا بگذارد، با قدرت پشیمان کند.

علاوه بر این حکمت یک خط متمایز کمونیستی بود. این خط را

حزب حکمتیست برگردیم. شما در سایه آنچه که گذشت، با چه محک هایی به خودتان و به فعالیت هایتان نگاه میکنید و میخواهید که به شما نگاه کنند؟

کوروش مدرسی: اول اینکه به لحاظ جنبشی یک خط متمایز کمونیستی و اجتماعی را نمایندگی کنیم. تاکتیک هایی که اتخاذ میکنیم، سیاست هایی که در مقابل قرار میدهم باید به لحاظ فکری و سنتی یک خط متمایز کمونیستی را نشان دهد. یک نوع کمونیسم متمایز. آن کمونیسمی که منصور حکمت تئورسین ش بود. آن سنت و نقدی را نمایندگی کنیم که منصور حکمت همیشه به حزب کمونیست کارگری ایران و رهبری آن داشت.

ما باید در سیاست ایران یک خط متمایز کارگری کمونیستی "بی اما و اگر" باشیم که زمینی است، رادیکال است، میلیتانت است، راه پیروزی را نشان میدهد و قدم به قدم نزدیک ترین و سریع ترین راه برای پیروزی جنبش سوسیالیستی و جنبش آزادی انسانها را پیش پا میکند. باید این کمونیسم را به لحاظ فکری و جنبشی نمایندگی کنیم. راستش امروز این جنبه را به درجه قابل قبولی نمایندگی میکنیم. اگر امروز به کانونهایی فکری چپ در جامعه ایران نگاه کنید، بیشتر به ما نگاه میکنند و از ما تأثیر میگیرند. این دستاورد مهمی است.

اما به لحاظ عملی یعنی سیاسی، اجتماعی و سازمانی تازه چالش اصلی در مقابل ما قرار دارد. آن مصافی که در مقابل ماست و باید از پس آن بر بیاییم، سوالی است این است که آیا میتوانید یک حزب سیاسی بسازد و یک

های آن حزب، که به نام شخصی ما بود، بر عهده ما باقی ماند. در واقع از همان اول کار ما خرج دو حزب را بر عهده گرفتیم.

بهر حال، حزب ما برای جواب دادن به مسائل بسیار اساسی که در مقابل کمونیست ها قرار گرفته بود پا به عرصه وجود گذاشت. وقتی به یک سال گذشته نگاه میکنیم، فکر میکنم که به وجود این حزب و به دستاوردهایش و به کارهایی که کرده و تلاشی که کادرهای این حزب کرده اند، باید افتخار کرد.

به لحاظ سیاسی این حزب در یک اغتشاش وسیع سیاسی و فکری که به دنبال رویدادهای حزب کمونیست کارگری به وجود آمد، یک پرچم رادیکال کمونیستی را بلند کرد. یک پرچم متمایز از همه جریانهای سیاسی دیگر. این حزب پرچم متمایز منفعت یک انقلاب کمونیستی، منفعت انسانیت و برداشته و منفعت انسان و منفعت آزادیخواهی و منفعت پیروزی بشریت آن جامعه را در انقلابی که در حال شکل گیری است، فدای تاکتیک های کوتاه نظرانه روز مره و دنباله روی از جریانات دیگر نکرد. این حزب یک پرچم بارز و و شاخص کمونیستی را بر افراشته نگاه داشته است. امروز این حزب یک موجودیت فکری، سیاسی، اجتماعی و تشکیلاتی دارد و نقطه شروع و پایه بسیار قدرتمندی برای پاسخ گوئی به وظایف اساسی تر است. فکر میکنم دوره سخت را پشت سر گذاشته ایم و دوره آینده برای ما یک دوره تعرض وسیع سیاسی، فکری، عملی و سازمانی است.

مصطفی اسدیپور: اجازه بدهید به

به سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست به پیوندید!

از صفحه ۱

هژمونی سیاسی و نظامی اش در جهان به عنوان تنها ابر قدرت به حمله نظامی، کشتار مردم بیدفاع و تروریسم سازمان یافته دولتی با توجهات ایدئولوژیکی و تبلیغاتی بر قدرتی که ۱۱ سپتامبر امکان آن را فراهم کرده است متکی است. دنیای پس از ۱۱ سپتامبر، صحنه جدال پاسخهای این دو قطب به قهقرا اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک تحمیل شده به جهانی بود که خود آنها عامل و بانی مصائب آنند. هزیننه شکست و مفتضح شدن هر دو پاسخ اما، به دوش مردمی افتاد که قبل از ۱۱ سپتامبر هم، تاوان بربریت کاپیتالیستی موجود را میدادند.

حمله نظامی آمریکا به عراق این کشور را به باتلاق انواع و اقسام جریانات تروریستی اسلامی، قوم پرست و ضد زن و

قرون وسطایی بدل کرد. آمریکائیهها خودشان اذعان میکنند که در عراق شکست خوردند. اسلامیهها علیرغم فشار نظامی اولیه آمریکا به استقبال این مواجهه و مسابقه جنایت رفتند. جنبش اسلام سیاسی هر چه در چننه جنایت داشت بکار برد تا این مسابقه مرگبار نظامی و تروریستی را با کشتار مردم بی دفاع به جلو براند. بر بستر تحولات سیاسی هم در افغانستان و هم در عراق، آمریکا بر خلاف سیاست تبلیغ شده از جانب اپوزیسیون راست پرو غرب در ایران، نشان داد که با همان دستی که اسلام سیاسی را میزند، زیر بغلش را هم گرفته است. اسلام سیاسی خود میداند که بدون حمایت غرب در خاورمیانه ماندنی نیست.

۴ سال پس از ۱۱ سپتامبر، هم آمریکا شکست خفت بار خود را در عراق بر متن ویرانی تمام و

کمال جامعه چشیده است، هم اسلام سیاسی به خاطر نفرت در خشم عمومی مردم، بویژه در ایران اکنون دیگر به جای تکیه به سلاح ایدئولوژیک خود، برای بقا به سلاحهای اتمی پناه برده است. اکنون با صدای بلند میتوان تکرار کرد که یک پاسخ دیگری وجود دارد. پاسخ قطب سوم، پاسخ جهان متمدن به بربریت کاپیتالیستی موجود، کمیونیسم است. جنبشی که ورق را برگرداند. جنبشی که به این بربریت از هر دو سو خاتمه دهد. جنبشی که به حیات سیاسی بوش و بلرو خامنه ایی و... خاتمه دهد. فقط این جنبش و شریعت متمدن میتواند نقطه پایانی بر این خونبارترین دوره تاریخ معاصر باشد که با ۱۱ سپتامبر شروع شده است!

از صفحه ۱

پیش نویس "قانون اساسی"، "جمعیت وطنی" متشکل از نمایندگان باندهای حاکم بر عراق متن نهایی را همزمان با سفر طالبانی به آمریکا به نمایندنده سازمان ملل تحویل داد. هدف این بود که وانمود کنند که گویا "پروسه دمکراسی" در عراق زیر رهبری آمریکا و با هدایت مستقیم سفیر زالمای خلیل زاد طبق جدول زمانی پیش میرود. این موضوع و حضور طالبانی در آمریکا و سازمان ملل قرار بود به بوش کمک کند که فشار ناشی از نارضایتی وسیع مردم آمریکا از نتایج جنگ در عراق و پیامدهای توفان کاترینا را ولو موقتا پس بزند تا ایشان بتواند با چهره کمتر گرفته ای در اجلاس سازمان ملل شرکت کند. تصاویر تکانهنده بغداد اوضاع را بهم زد.

طالبانی در پاسخ "کمک" های بوش که او و دیگر باندهای متحد آمریکا را به قدرت و ثروت رسانده است، قرار بود متقابلا در محصه کاترینا و در آستانه اجلاس سالانه سازمان ملل به بوش کمک کند. اوضاع بدتر از آن شد که این خدمت عملی شود.

ما در مقطع "رئیس جمهور" شدن طالبانی موقعیت او را به خانه ای بر روی بمب و قله کوهی از تناقضات تشبیه کردیم. همچنین پیش از جنگ آمریکا علیه عراق هشدار دادیم که این جنگ باعث تقویت اسلام سیاسی خواهد شد و سناریو سیاه خونینی بر مردم آن کشور تحمیل خواهد کرد بی آنکه آمریکا را به مقام ارباب و یا ژاندارم منطقه و جهان برساند. چنین شد، متاسفانه به قیمت

تلفاتی بسیار بالا از مردم عادی در عراق و در لندن و مادرید و... در به قیمت نامن تر کردن همه جهان. کارنامه جنایات تروریستی آمریکا در عراق، مدتهاست که کارنامه جنایات تروریسم اسلامی در ۱۱ سپتامبر را کمرنگ کرده است.

کشمکش باندهای حاکم بر عراق بر سر "قانون اساسی" عمیقا نفرت انگیز است. این جنگ قدرت به مردم عراق ربطی ندارد. این قانون اساسی نیست، یک قرارداد آتش بس موقت میان دارودسته های متنازع اسلامی و قومی است که هر روز نقض میشود و با هر تغییری در توازن قوا پوچی آن آشکارتر میشود. این قرارداد تقسیم غنایم باندهای غارتگری است که با جنگ و جدال خود، جامعه و مردم را به این سرنوشت سیاه کشانده و

آزادی برهان دیوارگر یکبار دیگر بر ارزش و جایگاه اتحاد و همبستگی و انترناسیونالیسم برای طبقه کارگر و مردم تاکید کرد.

برهان دیوارگر به دلیل تلاش برای سازماندهی کارگران دستگیر شد. برای همین آزادی او یک گام در جهت دستیابی کارگران ایران به تشکل و اتحاد خود است.

من در اینجا آزادی برهان دیوارگر را به مریم اخضر پور و همه اعضای خانواده برهان دیوارگر و همه فعالین و دست اندکارانی که تاکنون برای آزادی او تلاش کردند و به وکیل برهان دیوارگر آقای محمد اعلی دادخواه تبریک میگوئیم.

ما کمپین خود را تا آزادی همه دستگیر شدگان دامه میدهیم.

نشانه اند.

این اوضاع نمیتواند ادامه یابد. مخمصه آمریکا در عراق هم اکنون به نارضایتی وسیعی علیه سیاستهای بوش و بلر در کشورهایشان و در سطح جهانی دامن زده است. قدر مسلم آنکه نقشه قلدری نظامی آنها زیر نام "نظم جهانی" و "جنگ علیه تروریسم" با شکست و افتضاح پی در پی مواجه است. این حقیقت را بحران کنونی مرتبط با سازمان ملل به روشنی نشان میدهد.

در خود عراق نارضایتی و نفرت از جنگ و نامنی و فلاکت روز به روز بیشتر بالا میگردد. مردم سیاست جنگ و اشغال آمریکا و همچنین دولت جعفری - طالبانی و دارودسته های اسلامی - قومی تشکیل دهنده آن را مسبب وضعیت نامن و

کارتکات هيات هيات فویدا
شوربر ماه ۱۳۸۲
شماره ۲۰۰۵
سردبیر: کوش مورسی

حکمت

نشریه ای نئوسوک - سیاسی از حزب کمونیست کوزوو - حکمت

کوش مورسی: جو با اختیار، منصور حکمت و نقش اراده انسان در تاریخ، محدود قورسی، فر نقد انقلاب پرویونی حید فوادی، کوش مورسی: حزب کمونیستی و قدرت سیاسی (قسمت دوم)، رحمان حسین زاده اوضاع سیاسی ایران و نقشه ماه ابرج فراد، طبقه کارگر با کاهن معبد، نظری، علم و عامیگری اکونومیستی، حسین فرادینکی، حزب دمکرات از خودمختاری تا فدرالیسم، نیا دهیانی، کور سنانی، خودم - حیدر فوادی و کمیونیسم کارگری، سلفر بجمدی، سه هفته جنبش اعتراضی در کوردستان، انقلاب کم کوربان، اومانیسم، آله نسم و معنل سلفر جنین، حسین فرادینکی، مخمصه اسفر کرمی و فانیست های کرده، کوش مورسی، کوردستان و آینده مبارزه آن، نکستینال کارگری با ناخاه نظامی، در باره کار فوادی، رفاندم، جنگ و سرنوشت جمهوری اسلامی کشور سرنوشتی جمهوری اسلامی

منصور حکمت
آناونومی لیبرالیسم جب

شماره دوم نشریه حکمت منتشر شد

بشریت سهمیه باشند. جهانیان به دنیائی فارغ از کشتار و فقر و ستم و جنگ و میلیتاریسم و جنون آدمکشی اسلامی نیازمند است، جهان تشنه به اهتزاز درآمدن پرجم حقوق جهانشمول انسان و خیزش مدنیت علیه توحش و بربریت میلیتاریسم سرمایه داری و جنایات اسلام سیاسی، هر دو، است. جهان میتواند نظاره گر خاموش و بی طرف تقسیم قدرت و آرایش سیاسی و حقوقی کشورها و بی تفاوت نسبت به سرنوشت سازمان ملل باقی نماند.

و خاتمی و رفسنجانی است. در جایی که آمریکا به عنوان تنها دولت استفاده کننده از بمب اتمی و سازمانده سناریوهای خونین و سیاهی که هم اکنون هم در عراق جریان دارد، قرار است متکلم وحده دفاع از میانی حقوق بشر باشد، احمدی نژاد و رژیم اسلامی چرا نتوانند خواهان سهمی در رعایت حقوق کشورهای "مسلمان" باشند؟ اما مردم ایران، و جهان متمدن لازم نیست در تقسیم کارتهای بازی بین بزرگترین سازماندهندگان کشتار علیه

دارد، رژیم اسلامی را به جامعه بشری تحمیل کند، احمدی نژاد آمده است تا دیاالوگ تمدن اسلامی خاتمی و خمینی و رفسنجانی و خلخالی و لاجوردی و خامنه ای را در دستور بررسی تغییرات سازمان ملل قرار بدهد، احمدی نژاد آمده است تا مردم ایران و جهانیان را با عادت دادن به ترور و کابوس مرگ و خونریزی و کشتار به تسلیم سلطه اسلام سیاسی و بقا و تداوم آن وادارد. احمدی نژاد رئیس جمهور رژیم اسلامی و از سلاله مکتب خمینی و خامنه ای

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سو سیالیستی!



mkazvini@hotmail.com

محمود قزوینی

های سراسری چندین کشور در اروپا و کانادا با میلیونها عضو، تا اتحادیه ها و نمایندگان مجلس در اروپا و نهادهای زیادی در جهان نامه های اعتراضی به رژیم اسلامی نوشتند و خواهان آزادی برهان شدند. ابعاد این کمپین آن را به یکی از بزرگترین کمپین های جهانی برای آزادی یک زندانی سیاسی تبدیل کرد.

برهان دیوارگر با یک کمپین قوی جهانی که از سقز تا اسلوا و هلسنکی و بندر عباس و بغداد و... را در بر میگرفت آزاد شد. کمپین برای آزادی برهان که توسط احزاب چپ در خارج از کشور و فعلین کارگری در داخل و خارج پیش برده میشد، یکی از کمپین های موفق برای آزادی یک زندانی سیاسی بود. از این نظر این کمپین بسیار موفقیت آمیز بوده است. حزب کمونیست کارگری حکمتیست توانست اتحادیه ها و سازمانهای کارگری زیادی را در جهان برای آزادی برهان بوسیج کند. اتحاد و اعتراض مردم شهر سقز نیز به دستگیری همدرد و همراهانشان نقش به سزایی در آزادی برهان داشته است. هدف این کمپین و مهمترین جنبه آن آزادی برهان دیوارگر و همه دستگیر شدگان بود. کمپین برای آزادی برهان دیوارگر خود هدفی دیگری به جز آزادی برهان و همه دستگیر شدگان نداشت. اما ابعاد وسیع این کمپین و موفقیت آن تأثیرات دیگری نیز در میان مردم و فعالین کارگری در ایران به جا گذاشته است.

مردم و تمامی فعالین کارگری و حقوق انسانی دیده اند که میتوان و باید با اتحاد و یکپارچگی در داخل و خارج ایران به موفقیت دست یافت. دستگیری هر فعال کارگری و حقوق زن و کودک و انسان باید با اعتراض جهانی مواجه شود. باین کمپین یک فعال کارگری به یک چهره

کمپین جهانی برای آزادی برهان دیوارگر

در یک ماه گذشته رفیق خالد حاج محمدی و من به همراه یک تیم از رفقای تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، کمپینی را برای آزادی برهان دیوارگر و بقیه دستگیر شدگان پیش بردیم که نتیجه تاکنونی آن آزادی برهان دیوارگر بود. این کمپین بدون فعالیت هرکولی و شبانه روزی رفیق عزیزمان خالد حاج محمدی نمیتوانست به جایی برسد. اما در خارج از کشور هم جمع وسیعی به این کمپین یاری رساندند. مسئولین کمپین در کشورهای مختلف فعالیت مستمری داشتند. مسئولین و فعالین کمپین در کشورهای مختلف رفقا مریم افراسیاب پور، ثریا خضری، سعید کرامت، امان کلاه، هوزان محمود، روناک زندگی، محمد محمدی، فوزیه خالدین، اسماعیل ویسی، ملکه عزتی، داریوش نیکنام، کیوان آذری و مینو همیلی (امیدوارم کسی را جا نینداخته باشم) بودند. به همه این رفقا خسته نانشید میگویم این کمپین بدون یک کار هماهنگ نمیتوانست به اینجا برسد. ما هر کدام یک گوشه کار را گرفتیم و پیش بردیم. انجام سریع ترجمه توسط رفقا فوزیه خالدین و عزت ملکی نقش مهمی در پیشبرد کمپین ما داشت. ترجمه به فارسی را رفیق مظفر محمدی عموما انجام داد. باین گزارش کوتاه میروم به سراغ تأثیرات این کمپین جهانی بر مبارزات کارگران و مردم ایران.

برهان دیوارگر فعال جنبش کارگری ایران امروز دوشنبه ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۵، ۲۱ شهریور ۸۴ از زندان آزاد شد. خانواده برهان دیوارگر و جمع کثیری از مردم شهر سقز امروز به استقبال برهان رفتند، با دسته های گل از او استقبال کردند و او را در آغوش گرفتند. دستگیری برهان دیوارگر که در روز ۷ اوت صورت گرفته بود، موجی از اعتراض را در داخل ایران و در سطح جهانی برانگیخت. حمایت اتحادیه ها و سازمانهای بین المللی کارگری در این مدت چشمگیر بوده است. از کفدراسیون اتحادیه های کارگری آزاد جهان تا اتحادیه

رویا طلوعی و سایر دستگیر شدگان اعتصاب ۱۶ مرداد کردستان باید آزاد شوند

بدون قید شرط رؤیا طلوعی و سایر زندانیان سیاسی هستیم. درغیاب یک فشار سیاسی همه جانبه بر جمهوری اسلامی، اما رسیدن به چنین هدفی بعید و یا پر هزینه خواهد بود. استارت این فشار سیاسی را بایستی در همان شهر سنندج زد. بایستی اقدام جمعی کرد. لازم است جمعاعات اعتراضی افشاگرانه سازمان داد. بایستی اقدام به طومار نویسی، جمع آوری امضا کرد و فعالین اجتماعی-سیاسی را از اهواز تا مشهد، از کرمان تا رشت حول این قضیه بسیج کرد. ضروری است که از افراد سرشناس و سازمانهای مدافع حقوق شهروندی در ایران و سراسر جهان در خواست نمود که به هر وسیله ای شده است که به مقامات جمهوری اسلامی در این رابطه تحت فشار قرار دهند. بایستی بصورت سازمان یافته و متمرکز، جامعه ایران و مجامع بین المللی را در مورد وضعیت این زندانیان مطلع نگه داشت. بایستی با همفکری فشرده در صدد خلاقیت ها و ابتکارات موثر در این رابطه افتاد. قطعا هر حرکتی با یک افق انسانی و سازمان یافته میتواند انعکاس و بازدهی بسیار گسترده ای در سطح بین المللی داشته باشد.

امروز کردستان صاحب یک سری از چهره های اجتماعی است که تعداد زیادی از آنها حتی برای مراجع بین المللی شناخته شده هستند. این طیف لازم است که صفوف خود را در کردستان تقویت کنند و تجارب خود را به سایر شهرهای ایران انتقال دهند. قطعا تلاش سازمان یافته و با نقشه این طیف میتواند عقب نشینی های بسیار بیشتری به جمهوری اسلامی تحمیل کنند. بگذار با آزادی رؤیا طلوعی و سایر زندانیان شاهد عقب نشینی های بیشتر جمهوری اسلامی باشیم.

نماینده گی نهادهای مدنی و مردم متحصن در مقابل استانداری کردستان در تاریخ ۸ مرداد بودند. علاوه بر دستگیری این افراد، ماموران به منزل آزاد زمانی دبیر کانون دفاع از حقوق کودکان در سنندج، حمله کردند. نامبرده اکنون تحت تعقیب است و تا کنون از سرنوشت او اطلاعی در دست نیست. برهان دیوارگر در نتیجه یک کمپین بین المللی که جرقه آن در شهر سقز داده شد و به سرعت به سنندج و سایر شهرهای ایران کشیده شد و در سراسر قاره اروپا و آمریکا انعکاس داشت، آزاد شد. آزادی دیوارگر به هیچ وجه کافی نیست. زیرا رؤیا طلوعی و تعداد زیادی از فعالین نهادهای مدنی هنوز در اسارت جمهوری اسلامی بسر میبرند. این اسرا غیر از دفاع از حق و حقوق انسانی شهروندان مرتکب هیچ عمل خلافی نشده اند. دفاع از حق و حقوق انسانی شهروندان از منظر یک سیستم مذهبی قرون وسطائی که با ضرب شکنجه، اعدام، سنگسار و آپارتاید جنسی و لشکر کشی امروز را به فرارسانده است، طبعاً جرم محسوب میگردد. در آن سیستم قرون وسطایی، مطالبه دستمزد معوقه، لغو کار کودکان و بیمه بیکاری جرم محسوب میشوند؛ عشق ورزیدن بدون اجازه و بدون پرداخت مالیات به آخوند موجب احکام سنگینی میشوند. در مقابل چنین سیستمی، صف ما، صف حکمتیست ها از حقوق مدنی تمام شهروندان مستقل از تعلقات سیاسی شان دفاع بی چون و چرا میکند. ما خواهان جامعه ای هستیم که آزادی بی قید و شرط بیان و ابراز وجود، برابری تمام و کمال حقوق زن و مرد، جدایی دولت از دین و قومیت و دسترسی همگان به ثروت جامعه از ابتدائی ترین پرنسیپهای آن باشد. به همین دلیل ما خواهان آزادی فوری و



S.keramat@gmail.com

سعید کرامت

اعتصاب عمومی ۱۶ مرداد درعین حال که یک نقطه عطف در تاریخ مبارزات مردم کردستان بود هزینه هایی هم داشت. از این جهت اعتصاب مورد بحث نقطه عطف بود که باعث شد تا مردم هماهنگ و یک صدا و با فراخوان نیروهای چپ و کمونیست جامعه یکبار دیگر، با مطرح کردن خواسته هایی پیشرو و انسانی دست رد بر سینه جمهوری اسلامی بزنند. در مقابل، هزینه این اعتصاب کشتار مردم بی گناه و دستگیرهای وسیع فعالین مدنی توسط رژیم اسلامی بود. این دستگیرها پاسخ درخور را میطلبند.

رؤیا طلوعی فعال جنبش زنان و برهان دیوارگر فعال جنبش کارگری و مدافع حقوق کودکان از میان شناخته شده ترین دستگیر شده گان بودند. اما تعداد دستگیر شدگان بسیار بیشتر از این ها بود. بعنوان مثال کسانی دیگر مانند جلال قوامی روزنامه نگار، هیوا یوسفی دبیر موسسه اجتماعی - فرهنگی چیا، سعید ساعدی و ماحد احمدی از جمله دستگیر شدگان هستند. رؤیا طلوعی و بیشتر دستگیر شدگان ها بالا یا فعال نهادهای مدنی و یا عضو هیئت

www.marxhekmatsociety.com

www.koorosh-modaresi.com

hekmat.public-archive.net

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید!